ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ مدیرمسئول: علی عالی ■ تلفن: ۱۴_۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■ سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷_۸۸۵۰۱۳۰۰
_۸۸۷۴۶۵۸۳ ■ انتشارات: ۵و۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰_۸۸۵۲۱۹۵۴ ■ نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸/ صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii

پنجشنبه ۴ دی ۱۳۹۹- شماره ۶۶۵۸

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 13 12 45 3000

www.INN.ir

info@inn.ir

فوتبال ژورنال

رسول مجیدی

تیم‌های تازه صعودکرده قصد سقوط ندارند

همه آدم‌ها در زندگی‌شان دنبال این هستند تا کاری کنند که اصطلاحاً یک «روز خوب» بیاد. این یک روز خوب قاعدتاً برای هرکسی یک معنا و مفهومی دارد. مثلاً در فوتبال، برای تیم‌های مدعی، روز خوب همون روزی است که دست کاپیتان آنها به جام قهرمانی می‌رسد.

برای تیم‌هایی هم که در لیگ‌های پایین‌تر بازی می‌کنند، روز خوب روزی است که می‌توانند جواز حضور در بالاترین سطح فوتبال کشورشان را به دست بیاورند.

امسال در فوتبال ایران، مس رفسنجان و آلومینیوم اراک موفق شدند این روز خوب را به هواداران‌شان هدیه دهند. آن هم برای اولین بار. هر دو تیم تا به حال هیچ‌وقت در بالاترین سطح فوتبال ایران بازی نکرده بودند و در لیگ بیستم به این آرزوی دیرینه‌شان رسیدند.

فصل قبل در حالی که چند روز به مسابقات لیگ یک باقی مانده بود، مس رفسنجان با محمد ربیعی برای هدایت تیمش به توافق رسید. قرارداد طی برنامه‌ای سه ساله این تیم به لیگ برتر صعود کند اما اوضاع به گونه‌ای پیش رفت که در پایان همان فصل، تیم رفسنجانی با ۶۷ امتیاز، قهرمان لیگ آزادگان شد و به لیگ برتر صعود کرد.

ربیعی و باشگاه مس همواره بر این نکته تأکید کرده‌اند که هدف اصلی‌شان در مسابقات امسال ماندن در لیگ برتر است. هدفی که تا به امروز هم نشان داده‌اند به آن پایبندند و با گرفتن ۱۸ امتیاز از ۸ بازی فعلاً از انتهای جدول دور هستند. مس نصف بازی‌هایش را باخته، ۲ تا را مساوی کرده و ۲ تا را برده. پیروزی در رفسنجان مقابل تیم سختکوش نفت مسجد سلیمان، اولین پیروزی تاریخ مسی‌ها در لیگ برتر بود و همیشه در ذهن‌شان باقی خواهد ماند.

در این فصل مس به کلی تیم خود را تغییر داده. پنج بازیکن فصل قبل در تیم ماندند و حدود ۲۰ بازیکن جدید خریداری شدند. مهم‌ترین بازیکنانی که راهی مس رفسنجان شده‌اند، این نفرات هستند: ناصر سالاری، عقیل کعبی، عماد میرجوان، امید خالدی، رحیم زهیوی، فراز امامعلی، مسیح زاهدی و محمد آقاجانپور. در سوی مقابل مهم‌ترین نفراتی که از این تیم تازه لیگ برتری شده جدا شدند، عبارتند از کوروش ملکی، حمید گلزاری و علی پورمحمد.

تیم صعود کرده دیگر امسال اما حتی از مس هم نتایج بهتری گرفته. تیمی که برخلاف رفسنجانی‌ها زیاد به ترکیب خود دست نزده و تقریباً با همان اسکلت بندی پارسال در لیگ برتر حاضر شده.

رسول خطیبی که البته در ابتدای راه کمی هم با مدیران تیمش به مشکل خورد، همچنان بالای سر تیم است و موفق شده در ۸ بازی اولش ۱۰ امتیاز بگیرد؛ ۲ پیروزی و ۴ تساوی که آخرین آن همین دیروز عصر مقابل تیم شهر خود روبود. یکی از پیروزی‌های آنها مقابل تیم خوب صنعت نفت در اراک به دست آمد تا رسول نشان دهد تیم خطرناکی را راهی مسابقات کرده. آنها فعلاً در رده هفتم جدول هستند.

مخلص کلام اینکه هفته‌های ابتدایی مسابقات امسال نشان داده که ۲ تازه صعود کرده به لیگ برتر اصلاً قصد ندارند در همین فصل اول حضورشان در این لیگ به دسته پایین‌تر برگردند.

دیگر رسانه‌ها

فرهاد عشوندی

به فرزندان‌تان یاد بدهید مثل علیرضا منصوریان نباشند!

دوشنبه شب ویدیوهایی از حضور علیرضا منصوریان در برنامه میثاقی را خیلی از کانال‌های ورزشی منتشر کردند. ویدیوهایی که در آنها سرمربی سابق تراکتور سعی داشت از دلایل اخراجش بگوید؛ از اینکه قربانی شده و حقش را خورده‌اند. اما تلخ‌ترین بخش از حرف‌های او، تلاشی بود که برای ساختن دوگانه تبریز-تهران به خرج داد. اینکه اگر مالک تراکتور رئیس فدراسیون فوتبال شود، استقلال و پرسپولیس را سلاخی می‌کند. این دمیدن در همان آتشی است که سال‌هاست باعث شده تقابل‌های تهران و تبریز در فوتبال پر از تنش باشد. پر از پرتاب سنگ، دشنام و خونریزی.

و این‌بار کسی که تا همین دو هفته قبل روی نیمکت تراکتور می‌نشسته، اینچنین بر آتش اختلافات می‌دمد.

آن هم روی آنتن زنده شبکه ۳. آنتنی که انگار مسئولیت اجتماعی در آن تعریف نشده و مجری برنامه‌اش بدون کوچکترین عکس‌العملی دست مهمانش را باز گذاشته بود تا هرچه دل تنگش می‌خواهد، بگوید؛ فارغ از اینکه این گفته‌های بدون سند تنها باعث تشدید این دوقطبی مضر می‌شود. آنتنی که برای بودن روی مدارش فقط باید به عادل فردوسی‌پور طعنه بزنی و گرنه خیلی مواردی چون مصالح عمومی کشور اهمیتی ندارد و کسی برای حرف‌های ساختارشکن و بحران‌ساز، کلامی تذکر نمی‌دهد. منصوریان برای تلافی اخراجش برچسب می‌زند. او با خود گمان می‌کند با تخریب زنوزی، مسیر ریاست فوتبال برای مهدی محمدنبی هموارتر می‌شود؛ دبیر کل فدراسیون فوتبال که رابطه رفاقت قدیمی با علی منصور از دهه ۷۰ دارد. بسیاری حتی رفتن منصوریان به تبریز را بدون ارتباط با همین رفاقت ندانسته بودند. ارتباطی که البته از سوی نبی تکذیب شده اما آن زمان درباره‌اش از اتحادی گفته شده بود که وجه‌المصالحه‌اش منصوریان است. اتحادی که اگر بود هم ده روز قبل از لیگ با برکناری علیپور از مدیریت تراکتور با شکست مواجه شد و از همان روز اول حضور علی منصور را در تبریز بدون منطق کرده بود. گفته‌ای که البته منصوریان خودش هم به شکلی دیگر در همان برنامه تأییدش کرد. گفته‌های از سر خشم منصوریان و رفتار همراه با جرزنی او البته واکنش تند تراکتور را به همراه داشته. باشگاهی که نمایندگانش اجازه دفاع از خود را هم در طول برنامه نداشته‌اند. فارغ از همه آنچه در آن برنامه گذشت اما نگاهی به رفتار دوشنبه شب علی منصور و توالی رفتارهای متناقضش در سال‌های اخیر، فضایی را می‌سازد که در آن به سختی می‌توان او را نماد معرفت نامید و به عنوان یک الگو در این زمینه معرفی‌اش کرد. بیایید مرورشان کنیم. همین دو، سه ماه قبل برای رفتن به تبریز او تمام هویت استقلالی پیچ شخصی اینستاگرامش را پاک کرد و شروع کرد تنها از تراکتور گفتن، درحالی که قطعاً همه پرشورهای تبریزی می‌دانستند کسی را به تبریز برده‌اند که ادعا دارد داش علی آبی‌هاست.

یا ماجراهای رفتنش به ذوب‌آهن و جدایی‌اش از آن تیم را حتماً یادتان مانده. کمی قبل‌تر هم آن شب معروف برنامه ۹۰ و ماجرای افتادن پرده‌های حقیقت رفتارش در استقلال در زمانی که همزمان با مهدی رحمتی و ملکی، عضو هیأت مدیره وقت آبی‌ها، روی آنتن زنده برنامه بودند.

رفتارهای دوگانه و پر از تناقضی که وقتی از یک داش علی ملقب به باتعصب سر می‌زند، از یک قهرمان ملی، یک مربی ناکام و پاک باخته می‌سازد!

(این یادداشت پیش‌تر در سایت خبرآنلاین منتشر شده است)

عکس روز

نگاه عاشقانه

لیونل مسی بالاخره از رکورد پله گذشت. او با مداد چهارشنبه در بازی با وایادولید موفق شد یکی از مهم‌ترین و سخت‌ترین رکوردهای تاریخ دنیای فوتبال را جابه‌جا کند؛ رکورد بیشترین گل زده برای یک باشگاه. تا پیش از این رکورد با ۶۴۳ گل در دستان پله بود. او این گل‌ها را با پیراهن سانتوس زده بود و حالا مسی با پیراهن بارسا ۶۴۴ گل زده. جالب اینجاست که اگر در تابستان مسی می‌توانست به خواسته‌اش مبنی بر ترک بندر بارسلون برسد، هرگز نمی‌توانست رکورد اسطوره برزیلی را بشکند. با این همه یک قاب دیگر از این بازی حسابی در خاطره‌ها ماند؛ آن هم وقتی مسی اینطور عاشقانه توپ را روی زمین به صورت دراز کش نظاره می‌کرد.

کاریکاتور

یوونتوس در این فصل نتایج دندان‌گیری نگرفته اما تیم پیرلو دست‌کم این حسن را داشت که در مسابقات لیگ نباخته بود. اتفاقی که سه‌شنبه شب بالاخره رخ داد و این تیم مغلوب فیورنتینای بحران زده شد. بنفش‌ها بعد از مدت‌ها توانستند در تورین به پیروزی برسند. آن هم پیروزی ۳ بر صفر که با درخشش ریبری به دست آمد. این برای اولین بار بود که یوونتوس در ورزشگاه نسبتاً تازه تأسیس آلیانز آره‌نا با اختلاف سه گل به رقیبی می‌باخت.

در چنین روزی

۴ دی ۱۳۸۶

داور مالزیایی فوتبال بعد از نشان دادن کارت قرمز یک گلوله شلیک کرد!

یک داور فوتبال در مالزی، در جریان یک مسابقه محلی بعد از اخراج یکی از بازیکنان، برای ساکت کردن بازیکنان خشمگین، گلوله‌ای به سمت آسمان شلیک کرد.

به گزارش ایرنا به نقل از سایت گل، وی که روزها به عنوان پلیس مشغول کار است، ظاهراً اسلحه خود را در جریان مسابقه در اتومبیلش حمل می‌کرده است.

این داور بعد از اینکه بازیکنان به تصمیم اخراج یکی از هم‌تیمی‌های‌شان با عصبانیت واکنش بدی نشان دادند، با عجله به سمت خودروش رفت و اسلحه‌اش را برداشته و به آسمان شلیک کرد.

با این وجود، اقدام وی به مذاق رؤسای او خوش نیامد و راهی بازداشگاه شد.

خبرگزاری رویترز بعد از این اتفاق به نقل از یک روزنامه محلی نوشته است: مسئولان در حال بررسی هستند که آیا این پلیس حق داشته چنین کاری انجام دهد یا خیر و اینکه چرا وی در حین مسابقه اسلحه‌اش را همراه داشته است.

این در حالیست که پنج بازیکنان هم به دلیل ایجاد آشوب بازداشت شده و ممکن است مجازات شوند.

تک به تک

میعاد تیک

قلعه‌نویی نباید به حاشیه‌ها توجه کند

آسوده باش ژنرال!

امیر قلعه‌نویی که عنوان پرافتخارترین سرمربی لیگ برتر را به تنهایی یدک می‌کشد و حتی موفقیت‌های بی‌دریی برانکو ایوانکوویچ در پرسپولیس هم نتوانست به رکورد منحصر به فردش لطمه‌ای وارد کند، کمی دیر برای اعتراض و رو کردن دست مخالفان خود اقدام کرده. ژنرال بی‌بدیل فوتبال ایران به هر تیمی که رفته، ردپایی از ترسیم مسیر قهرمانی و توسعه را از خود برجای گذاشته که در این زمینه کارنامه پربار او جای هرگونه مثال نقض و ادعای واهی را از منتقدان سلب می‌کند. او که در جدیدترین ماجراجویی‌اش به سیرجان رفته تا هدایت نیمکت گل‌گهر را در دست بگیرد، با گذشت تنها ۷ هفته از رقابت‌های لیگ برتر صدر جدول را مقتدرانه در اختیار گرفته تا نشان دهد امیر فوتبال ایران حتی در تیم‌های کم نام و نشان هم ترک عادت نمی‌کند. اما موضوعی که ژنرال از آن صحبت می‌کند، کمی نخ‌نما و فرسوده به نظر می‌رسد. امیر قلعه‌نویی که چند هفته پیش از رازهای نرسیدنش به نیمکت تیم ملی پس از خروج مارک ویلموتس پرده برداشت، حالا باز هم جریانی را نقد می‌کند که قصد تخریب و یا خارج کردن او از گود را دارند. گرچه قلعه‌نویی می‌توانست یکی از بهترین گزینه‌ها برای هدایت یوزهای ایرانی در مسیر رسیدن به جام جهانی ۲۰۲۲ قطر باشد، اما حالا از آن روزها مدت زیادی گذشته و قرار هم نیست که چیزی تغییر کند. ژنرال فوتبال ایران باید بداند که کارنامه دوران بازیگری و مربیگری‌اش آن‌قدر پربار هست که کسی حتی نتواند به گرد پای قهرمانی‌ها و موفقیت‌هایش برسد. امیرخان از آن دسته معدود مربیانی است که حتی در تیم‌های کوچک هم از تلاش کردن سرباز نزده و هیچ محدودیتی را در راه رسیدن به عناوین قهرمانی بهانه نمی‌کند. کسی که سال‌های متمادی خط هافبک تیم استقلال را بیمه کرده بود و در سرمربیگری‌اش هم تمام رقبای نامدار خود را قلع و قمع کرد، نیازی به تعریف و تمجید، همچنین توجهی به انتقادات و جریان‌های زیرپوستی نباید داشته باشد.

نفر به نفر

سام ستارزاده

اتراق در یک دهه پیش

ناآشنای قدیمی

امیر قلعه‌نویی را می‌توان پرتلاطم‌ترین نام دنیای مربیگری در دو دهه اخیر فوتبال ایران دانست. مردی که زشت و زیبا را از خود بروز داد و فراز و نشیب را بارها تجربه کرد. از دوره سوم لیگ برتر، سالی که مهدی تارتار و یحیی گل‌محمدی که از مربیان ایرانی موفق چند سال اخیر به شمار می‌روند، در اوج فوتبالشان در پرسپولیس بازی می‌کردند، هدایت استقلال را در دست گرفت تا دوره‌ای سرشار از غرور و افتخار را برای تاریخ آبی‌های پایتخت قلم بزند. تیمی با افکار هجومی که به قول خود قلعه‌نویی، ترجیح می‌دهد به‌جای ۱-۰، ۲ بر یک رقبا را ببرد. حال، نام‌های جوانی در مسند هدایت باشگاه‌های لیگ بیستم دیده می‌شوند که سنشان از ۴۰ هم عبور نمی‌کند. محرم نوبدکیا، رسول خطیبی، سیدمهدی رحمتی و جواد نکونام که روزی روزگاری ستارگان لیگ خلیج‌فارس و برخی از آنان حتی بازیکن قلعه‌نویی بودند. با این حال، پرافتخارترین سرمربی تاریخ لیگ برتر دوباره به اصل خویش بازگشته و یاد آن دوران را در سیرجان زنده کرده، در گل‌گهری که با توجه به این که دومین حضور تاریخش در سطح اول فوتبال ایران را تجربه می‌کند، بسیار بلندپروازانه و جسورانه برای این فصل و فصل‌های آتی خود برنامه می‌چیند.

سیرجان، یک میدان مبارزه حیاتی برای قلعه‌نویی است؛ برای حفظ آینده حرفه‌ای سرمربیگری‌اش و بازگشت وی به دورانی که خط آتش تیم‌هایش (از حیث تعداد گل در لیگ داخلی) حتی با بارسلونای مهارناشدنی آن سال‌ها مقایسه می‌شد؛ برای سال‌هایی که هنوز سکوهای آبی آزادی و طلایی نقش جهان لقب ژنرال را برازنده وی می‌دانستند و نشان‌های افتخارش زیر فشار نمایش‌های دفاعی و سال‌های بدون جامش در استقلال، سپاهان، تراکتور و ذوب‌آهن نپوسیده بودند.

در همین مدت کوتاه بازگشت قلعه‌نویی احیاشده به کرمان، گادوین منشا از یک مهاجم معمولی بدل به یک فوق ستاره شده که تعداد گل‌هایش از بازی‌هایش پیشی گرفته. خط دفاعی آبی‌های این شهر نیز با آبی‌های سابق پایتخت (سهرابیان، زکی‌پور، برزای) بازی به بازی منسجم‌تر می‌شود. اما هنوز یک رد از قلعه‌نویی سال‌های گذشته باقی مانده؛ کلیدواژه‌هایش. ژنرال لیگ ایران بیش از یک دهه می‌شود که در مصاحبه‌هایش به قلم‌های عمروعاصی انذار می‌دهد، از تئوری توطئه علیه شخص وی و برنامه ده‌ساله برای بیرون‌کشیدن فوتبال از خانواده‌ها می‌گوید، بعضاً نیز قیاس‌های کنایه‌آمیزی میان فوتبال حال و ۴۰ سال قبل انجام می‌دهد و از انسانیت و آدمیت سخن به زبان می‌آورد.

در فوتبالی که این دست از حرف‌ها معمولاً برای به حاشیه رانده‌شدن شکست‌ها خطابه می‌شوند، امیر قلعه‌نویی به‌عنوان یکی از معدود سرمربی‌هایی که نشان‌داده گردن‌گرفتن باخت‌های تیمش در کنفرانس‌های مطبوعاتی را به‌خوبی بلد است، از ورزش و رسانه ورزشی به‌شکل قابل تحسین و جسورانه‌ای انتقاد می‌کند (در برخی اوقات نیز، می‌تازد). این که این صحبت‌ها تا چه حد صحت دارد یا ندارد، نیازبه بررسی موشکافانه‌تری دارد؛ ولی آن چه اهمیت دارد این است که ما قلعه‌نویی فوتبالمان را تا این اندازه بی‌باک و البته، صادق و دلسوز می‌خواهیم و گل‌گهر باوقارش را تا این اندازه، جسور و چشم‌نواز.

گزارش یک پرونده

استراتژی بقا برای امیر

جنگیدن با سایه‌ها

قلعه‌نویی همچنان غیر از تلاش برای اثبات خودش به عنوان یک مربی کاربلد تلاش می‌کند تا با مصاحبه‌های جنجالی در صدر اخبار باشد. او همیشه از دست‌های پشت‌پرده، دشمانی که با او مخالف هستند و چهره‌های مبهمی سخن می‌گوید که نمی‌خواهند او را در سطح اول فوتبال ببینند

سامان موحدی راد

سال گذشته و در رقابت‌های لیگ برتر امید قلعه‌نویی و سپاهان دو داستان متفاوت با هم داشتند. بعد از رفتن ویلموتس وقتی نیمکت تیم ملی خیلی زود احتیاج به یک جانشین مهم و جدی داشت خیلی‌ها روی نام امید قلعه‌نویی تأکید داشتند. مسأله‌ای که با مخالفت باشگاه سپاهان مواجه شد و نهایتاً پرونده‌اش بسته شد. اما همین سپاهان با امید قلعه‌نویی هم تا پایان فصل ادامه نداد و بیماری امید در کنار چند شکست مهم موجب شد تا همکاری او با سپاهان پایان یابد.

در تابستانی که بسیاری از تیم‌ها از جمله استقلال در به در به دنبال مربی برای نیمکت خود بودند امید قلعه‌نویی خیلی آرام و بی‌سروصدا به سیرجان رفت تا هدایت گل‌گهر را در دومین فصل لیگ برتری شدنش بر عهده بگیرد. تیمی که نتایج پر فراز و فرود فصل قبلش توقع کمی در میان هوادارانش ایجاد کرده بود. امید قلعه‌نویی استاد چنین انتخاب‌هایی است. او از هر فرصتی برای اثبات خودش به فوتبال ایران بهره می‌گیرد. یکبار در قامت جوانی کم تجربه در مربیگری به استقلال می‌آید و بعد از موفقیت در این تیم با نتایج ضعیف تیم ملی زیر بار نقدها کی رود. برای همین راهش را عوض می‌کند و از جایی کم سروصدا در کرمان و با مس از نو شروع می‌کند و چنان در خشان عمل می‌کند که سپاهان برای خریدش سر و دست می‌شکند و به این ترتیب دوران طلایی سپاهان را می‌سازد.

او حالا مربی میانسالی است که چند سالی است دستش از جام دور مانده است. همین هم موجب شده تا بار دیگر تلاش کند با یک تصمیم مهم خودش را به فوتبال ایران اثبات کند. برای همین بار دیگر راهی استان کرمان شده تا این بار با هدایت گل‌گهر خودش را به فوتبال ایران تحمیل کند. از قضا در این ۷ هفته هم درخشان عمل کرده و تیمش با بهترین خط حمله و امتیاز بالا در صدر جدول قرار دارد. نقش امید قلعه‌نویی تنها در صدرنشینی تیم گمنام گل‌گهر نیست بلکه او حتی یک مهاجم فراموش شده را هم احیا و به لیگ ایران برگرداند. در حال حاضر گل‌گهر ۱۲ گل به ثمر رسانده که سه چهارم گل‌های این تیم را گادوین منشا به ثمر رسانده است. مهاجمی که وقتی در استقلال و پرسپولیس بود عملکرد چندان جالبی نداشت و حالا زیر نظر قلعه‌نویی به بهترین فرمش بازگشته است.

با همه اینها اما امید قلعه‌نویی همچنان غیر از تلاش برای اثبات خودش به عنوان یک مربی کاربلد در فوتبال ایران تلاش می‌کند تا با مصاحبه‌های جنجالی در صدر اخبار باشد. او همیشه از دست‌های پشت‌پرده، دشمانی که با او مخالف هستند و چهره‌های مبهمی سخن می‌گوید که نمی‌خواهند او را در سطح اول فوتبال ایران ببینند. اینکه چرا امید قلعه‌نویی همچنان روی این استراتژی رسانه‌ای تأکید دارد، بر همه پوشیده است. احتمالاً او این را راه بقایی در فضای فوتبالی ایران می‌داند. جایی که برای ادامه حیات باید به چندین و چند سلاح مجهز باشی. یکی هم شاید جنگیدن با سایه‌هاست.

سوژه

مازیار گیلکان

آنچه قلعه‌نویی می‌سازد

امیر قلعه‌نویی از جمله مربیانی است که قدرت بلند شدن و شروع دوباره را دارد. این ویژگی چه بسا از موفقیت‌هایش مهم‌تر است. او هربار می‌تواند دوباره شروع کند و موفقیتی تازه بسازد.

مربیان دیگری هستند که جام آورده‌اند، به قهرمانی رسیده‌اند اما همیشه نمی‌توانند دوباره پروژه خود را در تیم دیگری زنده نگه دارند. قلعه‌نویی اما این توانایی را دارد، و همچنان به رغم آنکه دیگر مربی جوانی نیست انگیزه‌هایش را نیز حفظ کرده و این مراقبت از حیات انگیزه در کار مربیگری، خود یک مهارت است.

در کار قلعه‌نویی بی‌شک حتی در اوج موفقیت‌ها، بسیاری نکات پیدا می‌شد که به شدت قابل نقد بود، این نقد گاهی سختگیرانه انجام شد و گاهی البته موفقیت‌های قلعه‌نویی باعث شد که نقدها دیده و شنیده نشوند. قلعه‌نویی این روزها که در گل‌گهر سیرجان در حال تکرار یک موفقیت با یک نام نوپا در فوتبال است، گله کرده و گفته اتاق فکری از سال‌ها پیش تشکیل می‌شود که هدفش تخریب اوست. فارغ از اینکه چنین اتاق فکری به این معنا که قلعه‌نویی توصیف کرده، اساساً وجود دارد و چنین کارکردی دارد یا نه، اما این جدل فرضی چندان به کار قلعه‌نویی نمی‌آید، مگر آنکه بر اساس یک هدف حرفه‌ای بخواهد جدلی را کنار کار مربیگری‌اش برای ساخت جذابیت بیشتر پدید آورد. این هدف دوم البته همیشه مذموم نیست، و بخشی از بازی یک مربی در نقشی است که با فوتبال بازی‌اش می‌کند. اگر ملال‌آور بازی نشود، چه بسا جالب باشد و بخشی از سرگرمی فوتبال.

از این نکته بگذریم و به جذابیت اصلی برگردیم که قلعه‌نویی سازنده آن است، به بازی‌های گل‌گهر و نمایش تیمی تازه‌کار که با قلعه‌نویی می‌تواند داستان تازه‌ای را در فوتبال ایران بنویسد. مسئولیت مهم مربیان ساختن همین داستان‌های تازه است و رونقی که برای فوتبال پدید می‌آورند. قلعه‌نویی در این کار بیش از بسیاری همکارانش تبحر دارد.

با قلعه‌نویی و گل‌گهر می‌توانید سفری داشته باشید و قدرت گرفتن یک تیم جدید را ببینید. این هیجان‌انگیز است و شاید از مهم‌ترین ماجراهای فصل جاری لیگ برتر باشد.